



بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت (۱) - 7 / شهریور / 1397

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين.

عید غدیر را تبریک عرض میکنم به رئیس جمهور محترم، به آقایان وزرا، به خانمها و بقیته‌ی آحاد افراد حاضر در جلسه و امیدواریم که ان شاء الله این عید منشأ خیرات و برکاتی باشد که خدای متعال در ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) قرار داده و ما را از این نعمت بزرگ برخوردار کرده.

حقیقتاً غدیر و معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان ولیّ امر امت اسلامی و جانشین پیغمبر، یکی از نعمتهای بزرگ خدای متعال بود؛ یعنی همچنان که خود اصل نبوت و رسالت، متّ الهی و نعمت بزرگ الهی است که «لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من انفسهم»، (۲) در مورد ولایت امیرالمؤمنین هم حقیقتاً یک نعمت بزرگ و یک متّ بزرگی بود: «خلقكم الله انواراً فجعلكم بعرضه محدقين حتى منّ الله علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع» (۳) تا آخر؛ حقیقتاً نعمت بزرگی است. خب ولایت امیرالمؤمنین و مسئله‌ی ولایت، یک جا در قرآن - در سوره‌ی مائده - مایه‌ی یأس کفار است: «اليوم يئس الذين كفروا من دينكم»؛ (۴) آن روزی که مسئله‌ی ولایت مطرح شده، آن روزی است که به نصّ قرآن «يئس الذين كفروا من دينكم»، مایه‌ی یأس کفار است که مرحوم علامه‌ی طباطبائی یک تفصیل خیلی زیبایی در این زمینه دارند در تفسیر المیزان که این یأس چگونه است و با چه منطقی این یأس وجود دارد؛ یک جای دیگر در همین سوره‌ی شریفه، این آیه‌ی مبارکه است که «ومن يتول الله ورسوله و الذين آمنوا فان حزب الله هم الغالبون»، (۵) که مراد از این «الذين آمنوا» که در این آیه است و آیه‌ی قبلش که «وهم راکعون» (۶) [است] - آیه‌ی رکوع [که میگوید] در حال رکوع، انفاق میکنند - امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) است؛ «آمنا» در این آیه هم اشاره‌ی به همان است؛ [یعنی] آیه‌ی بعد از «إئما وليكم الله». (۷) آن وقت اینجا «حزب الله» را که همان کسانی هستند که دنباله‌رو این ایمان و این حرکتند، «غالبون» معرفی میکند؛ یعنی یک جا مسئله‌ی یأس کفار است، یک جا مسئله‌ی غلبه‌ی اهل حق. زمینه‌های حرکت امت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی، بخصوص جامعه‌ی شیعه اینها است که مایه‌ی غلبه و مایه‌ی یأس کفار و مایه‌ی توانایی و قدرت و در اختیار ما است.

آنچه ما به عنوان دولت اسلامی و حکومت اسلامی بایستی به طور دائم در نظر داشته باشیم این است که باید حکومت علوی را معیار خودمان قرار بدهیم، خودمان را با حکومت علوی بسنجیم؛ هر مقداری که بین ما و آن حکومت فاصله است، آن را عقب ماندگی به حساب بیاوریم. اگر چنانچه کارهای خوب انجام میدهیم، از لحاظ معنوی پیشرفت میکنیم یا کارهایی که مایه‌ی افتخار به حساب ارزشهای اسلامی است انجام میدهیم، مبالغه نکنیم در اهمیّت آن؛ مقایسه کنیم با حکومت علوی و ببینیم چقدر فاصله است بین ما و او. شاخص عمده در حکومت علوی، یکی عدالت است، یکی پارسایی و پاک دامنی است، یکی مردمی بودن و با مردم بودن است؛ حکومت علوی اینها است دیگر؛ زندگی امیرالمؤمنین مظهر عدل است، مظهر زهد است، مظهر مردمی بودن و پاک زیستن است. باید اینها را معیار قرار بدهیم، واقعاً باید در این جهت حرکت کنیم. نمیگویم مثل امیرالمؤمنین بشویم که خب این امکان پذیر نیست؛ اما قله را در نظر بگیریم و به سمت قله حرکت بکنیم؛ حالا گیرم که کسی به قله نرسد اما در این جهت حرکت بکنیم



؛ این وظیفه‌ی ما است ؛ واقعاً در حکومت اسلامی برای امثال ماها که عضو و جزو این حکومت و دولت هستیم، وظیفه این است که در فکر عدالت باشیم، در فکر زهد و پارسایی خودمان باشیم، در فکر کمک به مردم باشیم، در فکر پاک زندگی کردن باشیم ؛ اصلاً باید جهت‌گیری‌مان این باشد. ان شاء الله این عید بر همه‌ی شماها و بر خانواده‌هایتان مبارک باشد.

هفته‌ی دولت را هم تبریک عرض میکنم. هفته‌ی دولت به جز اینکه نام شریف و ماندگار آن دو شهید عزیز - شهید رجائی و شهید باهنر - را تداعی میکند و آنها را که حقاً و انصافاً دو شخصیت برجسته و ممتاز بودند در مقابل چشم ما قرار میدهد، علاوه بر این خود هفته‌ی دولت، برکاتی دارد ؛ یکی از برکاتش این است که شاخص و نشانه‌ی عبور یک مقطع از مهلت چهارساله است ؛ هر دولتی چهار سال فرصت دارد، چهار سال مهلت دارد ؛ این نشان میدهد که یک دوره از این چهار سال سپری شد و به خود مأمور دولتی، مسئول دولتی - بخصوص مسئولین عالی‌رتبه، مثل آقایان که تشریف دارید- این فرصت را میدهد که یک ارزیابی‌ای از کار خودش بکند ؛ چون ارزیابی ما، وقتی در درون خودمان ارزیابی میکنیم، گاهی متفاوت است با آن ارزیابی‌ای که انسان میخواهد در مقام بیان به دیگران ارزیابی کند. گاهی اوقات این ارزیابی واقعاً ما را خرسند میکند، گاهی هم ممکن است که ما ببینیم این ارزیابی جوری است که ما را متنّبّه میکند و موجب میشود که به فکر بیفتیم که یک کاری را انجام بدهیم یا یک حرکتی را انجام ندهیم، جبران کنیم. بالاخره هفته‌ی دولت یک فرصت این‌چنینی است.

یک جهت دیگر هم در هفته‌ی دولت هست و آن، این است که یک مقطعی است برای خداقوت گفتن به مسئولین دولتی ؛ واقعاً جا دارد که هرکسی که به یک نحوی از انحاء با دولت مواجه است، به مسئولین دولتی خداقوت بگوید. کار، کار بزرگی است ؛ کار، کار سنگینی است - کاری که بر عهده‌ی دولت است- و دولت، یعنی قوه‌ی مجریّه به‌طور مجموع از صدر تا ذیل، یک پهنه‌ی عظیمی از مسئولیت و کار را بر عهده دارد ؛ از مسائل سیاسی و مسائل اقتصادی بگیرید، تا مسائل علم و فرهنگ، تا مسائل اجتماعی، تا مسائل امور زیربنائی مثل حمل و نقل و انرژی و مانند اینها، تا خدمات و امثال اینها ؛ یک مجموعه‌ی عظیمی از کار، بر عهده‌ی دولت است و خوب از صدر تا ذیل، چند هزار نفر مشغول کار و تلاشند و در بین این مجموعه بسیارند کسانی که حقیقتاً از همه‌ی نیروی خودشان استفاده میکنند و بلکه بیشتر از اندازه‌ای که متوقع و منتظر هست کار میکنند برای اینکه کار را بتوانند خوب تحویل بدهند. انصافاً بایستی خداقوتی گفت. در یک کشور بزرگ و پهناوری مثل کشور ما با یک جمعیت هشتاد میلیونی، مدیریت این مجموعه‌ی کار، کار بزرگی است، کار آسانی نیست و کار بسیار دشوار و مهمی است ؛ و کسانی که دست‌اندرکارند، خودشان بیشتر از همه میفهمند. حالا یک کسی بیرون گود ایستاده، ممکن است جور دیگری فکر کند و قضاوت کند اما انسان وقتی وسط گود باشد، حالا بنده که دستم به کار اجرائی سالهایی بند بوده، کاملاً میفهمم که چقدر مشکلات هست، چقدر دشواری‌ها هست ؛ حتی اگر چنانچه این مشکلاتی که عارض بر ما است - [مثلاً] دشمنهای خبیثی که هستند- هم نباشند، بالاخره کار، بسیار دشوار و مشکل است. خوب، حالا ما به سهم خودمان به همه‌ی شما برادران عزیز و خواهران عزیز، خداقوت میگوییم ؛ ان شاء الله که موفق باشید و خداوند کمکتان کند تا آنچه میخواهید تحقق پیدا کند، ان شاء الله به آسانی تحقق پیدا کند.

در هفته‌ی دولت باید نقاط قوت و ضعف - عمدتاً هم به وسیله‌ی خود مسئولین- دیده بشود. نقاط قوت و ضعف را با هم باید دید ؛ بعضی هستند نقاط ضعف را می‌بینند، نقاط قوت را نمی‌بینند. این، خطرش این است که انسان را به بدبینی و ناامیدی میکشاند. اینکه [همواره] فقط نگاه کنند نقاط ضعف را ببینند و آن نقاط قوتی که وجود دارد



مورد توجه قرار نگیرد، عیب است؛ هم برای خود مسئول اگر چنانچه این جور حرکت بکند عیب است که موجب ناامیدی و دلسردی اش میشود، و هم برای کسی که از بیرون دارد نگاه میکند. عکسش هم همین جور است؛ اگر فقط نقاط قوت را ببینیم و نقاط ضعف را نبینیم، اشکالات دیگری را به وجود می‌آورد؛ موجب میشود که نقاط ضعف متراکم بشود، راه درست پیموده نشود و انسان به اهداف نرسد؛ لذا باید هم نقاط قوت را دید، هم نقاط ضعف را دید؛ نقاط قوت را تقویت کرد، بیشتر کرد، افزایش داد؛ و نقاط ضعف را تا آنجایی که ممکن است انسان بنویسد، یکی یکی کم کند. در همه‌ی مسائل این جوری است؛ در مسائل شخصی هم همین جور است.

خوشبختانه در این دولت - دولت دوازدهم - حقاً و انصافاً نقاط قوتی وجود دارد که قابل ذکر است. خب در این یک سالی که از عمر این دولت دوازدهم گذشته، با اینکه مدتی از این یک ساله هم مصروف انتخاب کابینه و تعیین وزرا و مشکلاتی که در این راه هست شد، در عین حال کارهای خوبی انجام گرفته، اتفاقات خوبی افتاده که آقای رئیس‌جمهور بخش مهمی از آنها را در بیاناتشان گفتند. در زمینه‌ی اقتصاد، رشد ۴.۶ درصدی چیز خوبی است و اتفاق خوبی است که افتاده؛ اگرچه با آنچه ما در سیاستها آورده‌ایم - ۸ درصد - فاصله‌اش زیاد است لکن به‌رحال در این شرایط، ۴.۶ درصد خوب است؛ رشد بسیار قابل قبول برای دولت است. در برخی از بخشها مثل کشاورزی و انرژی تولیدات خوبی انجام گرفته. در همین سه ماهه‌ی امسال، صادرات کشور قریب ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده، واردات کشور ۵ درصد کاهش پیدا کرده؛ اینها اتفاقات خوبی است که افتاده؛ اینها قابل توجه است، قابل ارائه‌ی به مردم، به سؤال‌کنندگان، و به افکار عمومی است که واقعاً باید اینها را شکر کرد از خدا؛ امیدواریم ان‌شاءالله این روند افزایش صادرات غیر نفتی و کاهش واردات، تا آخر سال ادامه پیدا کند؛ یعنی این را دنبال کنید که ان‌شاءالله [بشود]. در بخشهای دیگر هم کارهای خوبی شده که حالا در همین هفته، آقایان مشغول اطلاع‌رسانی هستند و من هم که بعضاً مشاهده میکنم، میبینم خوب است. البته باید اعتراف کنیم، قبول کنیم که ماها در تبلیغات، خیلی آدمهای مسلطی نیستیم، یعنی واقعاً - هم دولت، هم ماها، همه‌مان - تبلیغاتمان، تبلیغات خیلی خوب و خبررسانی‌هایمان حرفه‌ای نیست؛ اما حالا به همان مقداری که دارد کار انجام میگیرد، خوب است به اطلاع مردم برسد.

من تذکراتی را امروز عرض میکنم درباره‌ی سه مطلب: یکی راجع به همین مسائل اقتصادی که مسئله‌ی اساسی امروز ما است؛ یکی درباره‌ی مسائل خارجی یا سیاست خارجی؛ یکی هم درباره‌ی اتحاد و انسجام داخلی که آقای رئیس‌جمهور هم اشاره کردند.

درباره‌ی اقتصاد، ما از اول امسال و قبل از امسال چند بار جلسه داشتیم با دوستان، مسائلی را، مطالبی را بنده گفتم که روی آنها تکیه میکنم، تأکید میکنم، نمیخواهم تکرار بکنم آنها را. جلسه‌ی هماهنگی رؤسای سه قوه هم که با هدف کار اقتصادی و کمک اقتصادی تشکیل شده، برکاتی داشته، فوایدی داشته؛ یعنی آن جلسه، آثاری در وضع عمومی داشته و میتواند بهتر و بیشتر هم داشته باشد، باید هم ادامه پیدا کند. آقایان! به‌طور معمول و متعارف وقتی که دو نفر انسان پهلوی هم می‌نشینند، نقاط مشترکی دارند، نقاط تفارقی هم دارند؛ نمیشود به استناد نقاط تفارق، انسان مشترکات را فراموش کند. بالاخره بحث مذاکره در دنیا مطرح میشود، میگویند با فلان دولت، با فلان کشور مذاکره کنیم؛ خب وقتی مذاکره با دشمنها و با مخالفین و با امثال اینها مطرح میشود، با دوستان و خودی‌ها به طریق اولی مذاکره باید انجام بگیرد. مذاکره بشود؛ یک چیزی مورد اختلاف است، مذاکره میشود، یک کلمه‌ای شما میگویید، یک کلمه‌ای او میگوید، بالاخره به یک نقطه‌ای میرسید. بایستی این کار ادامه پیدا کند و لازم است.



در مورد اقتصاد، باید قوی و پُر حجم کار کرد. ببینید دوستان! دشمن متمرکز شده روی مسئله‌ی اقتصاد، علتش هم این است که در زمینه‌ی مسائل اقتصاد یک به اصطلاح خلأهایی وجود داشته، یک ضعفهایی وجود داشته، به تعبیر نظامی‌ها یک نقاط کور راداری وجود داشته که دشمن از آنجاها توانسته نفوذ بکند و وارد بشود؛ ما باید این نقاط کور راداری را ببندیم، ما باید نقطه ضعف‌ها را درست بشناسیم و اینها را برطرف کنیم؛ میتوانیم. همه‌ی این کارهایی را که باید انجام بگیرد - حالا من اشاره میکنم به بعضی از اینها - ما میتوانیم. در اداره‌ی اقتصادی کشور راه وجود دارد؛ این جور نیست که ما دچار بُن‌بست باشیم؛ نه، راههایی وجود دارد و میشود این راهها را با قدرت پیمود و رفت ان شاء الله. بایستی بکنید؛ بایستی وارد بشوید؛ بایستی پُر حجم و با کیفیت کار کنید؛ مسئولین اقتصادی کشور باید شب و روز نشناسند.

بحث اقتصاد مقاومتی و سیاستهای اقتصاد مقاومتی که گفته شد، اساس سیاستهای [اقتصاد] مقاومتی، آن لُبّش عبارت است از تکیه بر تولید داخلی؛ اساس آن، این است. سیاستهای اقتصاد مقاومتی، هم به معنای سنگرسازی دفاعی در مقابل دشمن است - یعنی واقعاً این سیاستها اگر به طور کامل و دقیق اجرا بشود، سنگرسازی میکند؛ سنگرسازی دفاعی است - هم توانمندسازی برای حرکت به جلو است؛ یعنی سیاستهای اقتصاد مقاومتی هم جنبه‌ی پدافندی دارد، هم جنبه‌ی آفندی دارد، محورش هم تولید است. لذا من حتی از همین جلسه‌ی هماهنگی رؤسای سه قوه هم انتظار دارم که یکی از جهاتی که روی آنها تکیه میکنند در بحثها و مسائلی که در آنجا آورده میشود و کارشناس‌هایی که با آن جلسه ارتباط پیدا میکنند، این است که روی مسئله‌ی تولید تکیه کنند. ببینیم مشکلات تولید داخلی کشور چه چیزهایی است، به انحاء مختلف دنبال راه‌حل این مشکلات باشیم. بنده اقتصاددان نیستم اما حرفهای اقتصاددان‌ها را میخوانم؛ اقتصاددان‌های کشور که شما هم خیلی‌هایشان را قبول دارید، راه ارائه میکنند. این جور نیست که راه وجود نداشته باشد؛ راههایی وجود دارد برای اینکه بتوانیم تولید کشور را نجات بدهیم.

یک مسئله هم مسئله‌ی معیشت مردم است که باز به همین تولید ارتباط پیدا میکند؛ یعنی یکی از بهترین راهها برای اینکه ما بخواهیم معیشت مردم را ترمیم کنیم و اصلاح کنیم - که الان مردم دچار مشکلات هستند در امر معیشت، بخش مهمی از مردم دچار مشکلاتند - واقعاً باید تکیه کنیم روی مسئله‌ی تولید داخلی. خوب، یک تلاش همه‌جانبه‌ای باید بشود برای جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها یا زیر ظرفیت کار کردن کارخانه‌ها.

یک مسئله‌ی مهم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی که مناسب است بنده تذکر بدهم، بحث مدیریت اقتصادی است؛ دولت باید مدیریت کند اقتصاد کشور را. مدیریت را با تصدیگری نباید اشتباه کرد؛ تصدیگری دولت در امر اقتصاد به ضرر کشور تمام میشود؛ این را ما عملاً در انقلاب تجربه کردیم و میدانیم که تصدیگری دولت خوب نیست. اصلاً سیاستهای اصل ۴۴ برای این بود که این تصدیگری انجام نگیرد؛ [پس] آن را بکلی از حوزه‌ی فکر خارج کنیم، یعنی این مدیریتی که من میگویم، مطلقاً اشتباه نشود با تصدیگری در مسئله‌ی اقتصاد.

مدیریت اقتصادی دو رکن مهم دارد؛ یکی این است که ما میدان را باز کنیم برای فعالیت فعالان سالم اقتصادی؛ میدان باز بشود برای اینها و کمکشان بکنیم؛ افراد صاحب فکر اقتصادی بنشینند بینند راههای کمک کردن به فعال اقتصادی چیست - راههایی وجود دارد - و موانعی که بر سر راه کار درست اینها و پیشرفت اینها وجود دارد چیست؟



آن موانع را بردارند؛ من حالا یکی دو مثال عرض خواهم کرد؛ یک رکن مدیریت این است. یک رکن دیگر هم این است که دستگاه دولتی، هوشمندانه، هوشیارانه، با چشم باز، مراقب فعالیت مضر اقتصادی باشد؛ یعنی یک فعال اقتصادی ای که حرکت مضر میکند، مورد توجه قرار بگیرد، جلوگیری گرفته بشود، جلوی منافذ فساد بسته بشود و گرفته بشود. مدیریت اقتصادی یعنی این، هیچ ربطی به تصدیگری ندارد.

حالا مثلاً در مورد آن بخش اول یعنی کمک به [فعال اقتصادی]، من یک مثال همین روزها را بزنم، البته مثالهای فراوانی وجود دارد؛ کسانی در داخل کشور هستند که یک حرکت اقتصادی را شروع میکنند؛ باید به اینها کمک بشود. حالا اینکه گفتم مال این روزها است، همین مسئلهی نوشت افزار است؛ چند جوان باهمت پیدا شده‌اند و نوشت افزار داخلی دارند تولید میکنند؛ نوشت افزار یک رقم مهمی است؛ شما ببینید مصرف نوشت افزار -مداد و کاغذ و دفتر و بقیه‌ی وسایل- چه حجم عظیمی دارد که ما در بسیاری از اینها داریم از واردات استفاده میکنیم که هم بار فرهنگی دارد، هم بار اقتصادی دارد. یک مشت جوان پیدا شده‌اند که از دو سه سال قبل از این، از چند وقت قبل -حالا من دقیقاً الان یادم نیست- همت گماشتند برای اینکه نوشت افزار داخلی [تولید کنند]؛ خوب اینها احتیاج به کمک دارند؛ باید به اینها کمک بشود؛ [اما] کمک نمیشود؛ حتی در مقابل حرکت اینها، احیاناً سنگ اندازی هم انجام میگیرد. لازم نیست سنگ اندازی را مسئول دولتی یا وزیر دولتی انجام بدهد؛ نه، ممکن است وزیر دولتی اصلاً خبر هم نداشته باشد اما دیگرانی هستند که سنگ اندازی میکنند؛ باید جلوی این گرفته بشود. چند وقت قبل یک تعدادی از همین جوانها آمدند پیش من؛ خوب آدم میبیند اینها سرتاپا شوقند، سرتاپا آمادگی و قوه و توان دارند، ابتکار هم دارند، [اما] توانایی مالی شان ضعیف است؛ باید کمک بشوند؛ کمک [به اینها] هم کمکهای چند هزار میلیاردی مثل این معوقات بانکی ما نیست که یک نفری چند هزار میلیارد مدیون [است]؛ این جور نیست، کمکهای خیلی خیلی کمتری است؛ با یک مختصر کمکی، با دست گذاشتن پشت اینها و حرکت دادن به جلو، به اینها کمک میشود. از این قبیل هم ما زیاد داریم. ببینید؛ بنده به عنوان مسئولی که به کارهای اقتصادی و مسائل اجرائی کشور هم کاری ندارم، مورد مراجعه‌ی زیادی قرار میگیرم، میدانم که بسیاری از مسئولین و وزرا و مانند اینها، مورد مراجعه قرار میگیرند. از این قبیل فراوانند؛ باید به اینها کمک بشود. برای ما خیلی پیش آمده -حالا «خیلی» که میگویم، یعنی متعدّد- که آمده‌اند شکایت کرده‌اند، بنده هم بعضی اوقات سفارش کرده‌ام. این یکی از کارها است که بایستی انجام بشود و از این قبیل زیاد است.

یکی مسئله‌ی میدان را باز کردن، یعنی بهبود فضای کسب و کار [است]. یک گزارشی همین اخیراً به دست ما رسید -که حالا دقیقاً جزئیاتش یادم نیست؛ آنچه در ذهنم مانده که خیلی برجسته بود این بود- که در یک موضوع مشخصی در طول مدت کوتاهی، مثلاً شاید دو سه ماه، سی بخشنامه صادر شده از طرف مسئولین! خوب این فعال اقتصادی چه جوری میتواند برنامه‌ریزی کند برای آینده‌ی خودش؟ کسی که میخواهد در این بخش و مربوط به این قضیه کار کند، چطور میتواند برنامه‌ریزی کند؟ دائماً بخشنامه پشت سر بخشنامه، تصمیم‌گیری‌های متعارض و گاهی متناقض درباره‌ی یک موضوع! اینها باید برداشته بشود؛ یعنی اینها چیزهایی است که مانع کار است؛ این ثبات و آرامشی را که فعال اقتصادی احتیاج دارد این را [ایجاد کنید]. بنابراین، یک رکن مدیریت عرض کردیم این است که ما بتوانیم به کسانی که فعال هستند از گروه‌های مردمی کمک کنیم، میدان را برای آنها باز کنیم، موانع را از سر راه آنها برداریم. من یک وقتی اینجا در یکی از دیدارهایی که داشتیم -مال دو سه سال پیش است؛ من آنجا تصریح کردم، [اما] الان درست یادم نیست؛ برای اینکه مثلاً در یک مرغداری یک چیزی درست کنند؛ حالا یادم نیست؛ آن وقتی که اینجا گفتم، تفصیلاً گفتم آنها را - اشاره کردم که گزارشی چند نفر از این فعالان بخش خصوصی به ما



داده بودند که برای یک کار کوچکی، شاید حدود چند ماه لازم بوده که این آدم دوندگی کند که بتواند یک کار کوچکی را در کنار یک کار اقتصادی‌ای که دارد، مثلاً فرض کنید که انجام بدهد. اینها را بایست کم کرد؛ باید راه را باز کرد برای اینکه مردم بتوانند فعالیت کنند. این بخش اول است.

بخش دوم هم مبارزه‌ی با مفسد و بستن منافذ فساد است؛ چشم باز مدیران؛ آنچه نیاز است این است. ببینید، همین تازه یک گزارشی وزارت اطلاعات برای ما فرستاد، من نگاه کردم این گزارش را دیدم از آبان ۹۶ تا تیر ۹۷، ۵۶ اخطار در مورد مسائل مربوط به فساد اقتصادی، به دستگاه‌های مختلف دولت از طرف وزارت اطلاعات داده شده! خوب این کار اطلاعات، کار خوبی است؛ من نمیدانم چقدرش دنبال شده چقدرش دنبال نشده، [اما] این مهم است که نگاه کنیم ببینیم در طول مثلاً چند ماه، وزارت اطلاعات برخورد کرده با یک رقم به این بزرگی؛ یعنی ۵۶ مورد را وزارت اطلاعات مطرح کرده و ذکر کرده. [در خصوص] همین حوادثی هم که اخیراً پیش آمد، حالا آقای دکتر روحانی اشاره کردند و بیان کردند توجیهاتی را که درست است توجیهات ایشان، منتها واقع قضیه این است که در کنار این توجیهات، یک مقداری غفلت و بی‌توجهی مدیریتی انجام گرفته. وقتی که ما میخواهیم ارز را به هر دلیلی وارد بازار کنیم - [چون] این را لازم میدانیم، این را وسیله‌ای برای پایین آوردن قیمت ارز میدانیم - باید این کار را با چشم باز انجام بدهیم تا این جور نشود که در این شرایط سخت ما، چند میلیارد دلار بیفتد دست یک عده‌ی معدودی که یا قاچاق کنند، یا ببرند در کردستان عراق بفروشند، یا در بازار داخلی آن را نقد کنند، یا به‌عنوان گردشگری بگیرند جور دیگر عمل کنند - که خوب این را همه میدانند - و یا به‌عنوان آوردن یک کالایی ثبت سفارش کنند [ولی] یک کالای دیگر را بیاورند؛ اینها خوب چیزهایی است که مدیریتهای آنها را [مراقبت] کنند که این را من با آقای رئیس‌جمهور هم قبلاً در میان گذاشتم. این جور هم نیست که ما لازم باشد بالای سر هر یک نفری یک پلیس بگذاریم که ببینیم چه کار میکند؛ نه، امروز خوب شیوه‌هایی وجود دارد، روشهایی وجود دارد، روشهای پیشرفته‌ای وجود دارد؛ میشود اینها را کنترل کرد. باید کنترل کرد یعنی باید با چشم باز مراقبت کرد. این مدیریت اقتصادی است. من به‌نظر می‌آید شما میتوانید این کار را بکنید، دولت ما میتواند این کار را بکند؛ این کاری نیست که جزو محالات باشد یا جزو مشکلات فوق‌العاده باشد؛ نه؛ اهتمام لازم است، ورود مجاهدانه‌ی در وسط میدان لازم است و این کارها را میتوانید انجام بدهید.

[کسی] پول را میگیرد که مثلاً فرض کنید که فلان جنس لازم را، کالای لازم را، کالای واسطه‌ای را - که شما به او اجازه میدهید - یا دارو را وارد کند، [اما] این را صرف میکند برای یک کار دیگر. [یا مثلاً] ما در اصل ۴۴ گفتیم که کارخانه‌های دولتی را به مردم بفروشند؛ بفروشند که چه کار کنند؟ بفروشند که [آن را] تعطیل کنند؟ یا نه، بفروشند که کار انجام بگیرد؟ این [شخص] کارخانه را میگیرد، آن دستگاه‌هایی را که حالا [یا ساخته‌اند] یا وارد کرده‌اند و با چه زحمتی اینها را سوار کرده‌اند و چیده‌اند و مرتب کرده‌اند، آهن‌آلاتش را به‌عنوان آهن‌پاره میفروشد، زمینش را هم پاساژ درست میکند! خوب چرا این کار انجام میگیرد؟ چه کسی باید جلوی این کار را بگیرد؟ نمیشود گفت که قوه‌ی قضائیه جلوی این کار را بگیرد؛ این را مدیر باید ببیند به چه کسی دارد میدهد این کارخانه را. اصل ۴۴ گفته که کارخانه‌ها داده بشود به مردم برای اینکه کارخانه باقی بماند، برای اینکه تولید بشود، نه برای اینکه تبدیل بشود به پاساژ و از بین برود. این اتفاقات افتاده؛ این مخصوص دولت شما هم نیست؛ قبل از شما هم این کارها انجام گرفته. به‌هرحال، مدیریت اقتصادی اینها است و به این چیزها بایستی توجه کرد.

البته حالا من دو مورد را هم یادداشت کرده‌ام اینجا که یک موردی هم هست که بحث سودطلبی نیست که بگوییم



برای سودطلبی، این آدم -مفسد اقتصادی- این کار را کرده، [بلکه] خرابکاری است. مثلاً فرض بفرمایید شما می بینید ناگهان در تهران یا در شهرهای بزرگ، پوشک بچه کمیاب میشود! این اتفاق افتاده، واقعی است، این به عنوان فرض نیست؛ آخر پوشک بچه؟ این مردم را عصبانی میکند دیگر! طرف مقابل -دشمن- میخواهد مردم عصبانی بشوند از دستگاه دولتی و دستگاه حکومت؛ این یکی از راههایش است؛ پوشک! یا شب عید که مثلاً فرض کنید وقت شست و شو و مانند اینها است، مواد شوینده ناگهان کمیاب میشود، نیست؛ خب این کاری است که خرابکاری است. اینها را بایستی با چشم باز دنبال کرد؛ این یک مسئلهی مهم است.

یک مسئلهی مهم دیگری که من اینجا به مناسبت مسائل اقتصادی عرض میکنم، این است که کشور ما از لحاظ ظرفیتهای اقتصادی، یک کشور برجسته است، یک کشور سطح بالا است؛ ظرفیتهای اقتصادی ما خیلی خوب است. اگر از این ظرفیتهای استفاده نکنیم، واقعاً کفران نعمت کرده ایم؛ خدای متعال [میفرماید]: *الْم تَر إِلَى الذِّينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا*؛ (۸) ما نعمت خدا را نبایست تبدیل کنیم به کفران. ما ظرفیتهای فوق العاده [داریم]. یک مطالعاتی انجام گرفته در موسسات بین المللی مثل همین صندوق بین المللی و امثال اینها که اینجا برای من گزارشش را آورده اند؛ میگویند تولید ناخالص داخلی ایران -که تولید ناخالص، در واقع ظرفیت بالفعل موجود تحقق یافتهی کشور است دیگر، یعنی آنچه بالفعل تحقق پیدا کرده- در رتبهی هجده جهان قرار دارد، یعنی در بین دویست و خرده ای کشور، ما در رتبهی هجدهم هستیم از لحاظ تولید ناخالص داخلی، که این تولید ناخالص داخلی یعنی آن چیزی که شما از ظرفیتهای کشور بهره برده اید، تحقق داده اید و به دست آورده اید. این خب خیلی چیز بالایی است، این تحقیقات بین المللی است.

یک تحقیق دیگری هست باز در کنار این -مال بانک جهانی است؛ در سال ۲۰۱۳- که از لحاظ ظرفیتهای استفاده نشدهی داخلی، ایران در رتبهی اول جهان است؛ شما چه احساسی پیدا میکنید از این؟ این دیگر حرفی نیست که یک اقتصاددانی در داخل بگوید تا حمل بشود بر یک معنایی؛ نه، این را یک مرکز بین المللی نگاه میکند به ظرفیتهای کشور -ظرفیت جغرافیایی، ظرفیت انسانی، ظرفیتهای اقلیمی، ظرفیتهای کانی (۹) و امکانات زیرزمینی و امثال اینها- میگوید مجموع ظرفیتهای استفاده نشدهی کشور ما، آن قدر بالا است که ما در این زمینه در دنیا رتبهی اولیم؛ در سال ۹۲ این گفته شده و مال ۲۰۱۳ است.

بنابراین استفاده نکردن از ظرفیتهای چیز مهمی است. این را بنده البته بارها در صحبتهای گوناگون گفته ام و مواردی را هم ذکر کردم از آن ظرفیتهای استفاده نشده که حالا لزومی ندارد [بگویم]؛ بحث اینها در جلسات تخصصی بیشتر لازم و مهم است که انجام بگیرد که چه چیزهایی ظرفیتهای استفاده نشده است؛ یک فهرستی وجود دارد از ظرفیتهای استفاده نشده؛ یکی این است.

بد استفاده کردن هم هست؛ یکی از مشکلات ما، مسئلهی بد استفاده کردن است. حالا آقای دکتر روحانی اشاره کردند که ما ممکن است از واردات بنزین بی نیاز بشویم؛ خب این خبر خوبی است، لکن اصل اینکه «ما که خودمان یکی از تولیدکنندگان بزرگ نفت دنیا هستیم، بنزین را وارد میکنیم»، این بسیار خبر بدی است؛ چرا این کار اتفاق می افتد؟ ما چرا اصلاً نفت را خام صادر میکنیم؟ گاز را چرا تبدیل به محصول و ال ان جی (۱۰) نمیکنیم؟ نفت را چرا تبدیل به بنزین نمیکنیم که صادر کنیم؟ این یک سؤالی است؛ این بد استفاده کردن است. بنده از سالها پیش -از شاید پانزده شانزده سال پیش- در دولتهای قبل، مکرر بر روی مسئلهی پالایشگاههای داخلی و توسعهی پالایشگاهها



و تولید محصولات گوناگون نفت تکیه کرده‌ام؛ خب این کار انجام بگیرد. رفتند آقای روحانی دو فاز از این پالایشگاه ستاره‌ی خلیج فارس را افتتاح کردند؛ این، تولید کشور را به مبالغ زیادی بالا برد؛ این، یکی از مسائل مهم است. خب ما همین خط را دنبال کنیم؛ چرا ما باید بنزین وارد کنیم؟ در مواردی، سالهایی اتفاق افتاده که چند میلیارد ما پول دادیم برای اینکه بنزین وارد کشور کنیم؛ کشوری که خودش منابع مهم نفتی دارد و صادرکننده‌ی نفت است، آن وقت بنزین منشقّ از نفت را باید ما وارد بکنیم؛ خب این خیلی چیز عجیب و غریبی است. روی اینها تکیه باید کرد، روی این باید کار کرد و میشود کار کرد؛ همین‌طور مسئله‌ی گاز که اشاره کردم و عرض کردم.

حالا در داخل کشور هم یکی از مشکلات بزرگ ما از این به اصطلاح به نظر من بد استفاده کردن از ظرفیتهای داخلی، مصرف بالای بنزین در داخل است؛ آن روز ایشان به من گفتند که روزانه ۱۰۵ میلیون لیتر مصرف بنزین کشور است؛ حالا یک جای دیگر من خواندم در یک گزارشی که بیشتر است، ۱۲۰ میلیون [لیتر]. حالا، ۱۰۵ میلیون لیتر! چرا؟ چرا باید این قدر ما مصرف بکنیم؟ یک دوره‌ای مسئولین توانستند مصرف روزانه را برسانند به حدود ۶۵ میلیون لیتر، یعنی کمتر از ۶۵ میلیون لیتر؛ شد این کار؛ البته خود آنها بعداً خرابش کردند، لکن این کار ممکن است، این کار میشود، شدنی است، راه‌هایی وجود دارد، دنبال کنید آن راه‌ها را، با قدرت پیش بروید. حالا ممکن است یک تعدادی -آدمهایی یا هر خانواده‌ای که پنج ماشین دارند و مصارف زیاد دارند- ناراحت بشوند؛ خب بشوند! از این ۱۰۵ میلیون لیتر در روز، چقدرش دست آحاد مردم و اکثریت مردم کشور می‌افتد؟ یعنی اینها به نظر من یک چیزهای مهمی است؛ جلوی این را بگیرید، نگذارید. بخش عمده‌ای از این به عهده‌ی وزارت نفت است و [نیز] مجموعه‌ی دولت؛ باید روی این تصمیم‌گیری کنید و نگذارید. بحث مدیریت اقتصادی دولت هم یک نکته است و اینها همه ابعاد گوناگون مدیریت است. حالا حرف در این زمینه‌ها زیاد است، دیگر نمیخواهیم طولانی صحبت کنیم.

یکی از مسائل مهم اقتصادی ما، ظرفیت بخش خصوصی است؛ ما از ظرفیت بخش خصوصی استفاده نمیکنیم. حالا [همان‌طور که] عرض کردم، گاهی اوقات کارخانه‌ها را بر طبق سیاست‌های اصل ۴۴ آن جوری میدهیم دست آدمهایی که نابابند، اما به‌طور رایج و معمول، بخش خصوصی را ما واقعاً وارد نمیکنیم و از سرمایه‌های مردم، درست استفاده نمیکنیم. مجموعه‌ی اتاق بازرگانی یک دیداری با دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت داشتند و یک حرفهای مفصلی زدند که بنده آن حرفها را خواندم؛ به نظر من آقایان بخوانید آن حرفها را، آقایان بشنوید و ببینید آن حرفها را؛ حرفهای درستی است؛ ما باید از ظرفیتهای بخش خصوصی استفاده کنیم؛ بخش خصوصی آماده است. حالا اصل ۴۴ را دولتتها -هم دولت جناب آقای روحانی که تشریف دارند، هم دولت قبل از ایشان- خلاصه فارسی‌اش این است که درست دلشان نمی‌آید که آن‌چنان که باید و شاید اعمال کنند؛ (۱۱) اعمال کنید اصل ۴۴ را، راه بیندازید امکانات بخش خصوصی را.

فرض بفرمایید کسانی که میتوانند کمک بکنند، فقط تجار نیستند -تجار یک بخشی از مجموعه‌ی بخش خصوصی هستند- نه، تولیدگران و صنعتگران [هم هستند]. الان شما مثلاً فرض کنید در وزارت نیرو یا در وزارت نفت من باب مثال، احتیاج دارید به قطعات فراوان؛ با قطعه‌ساز بنشینید [صحبت کنید]. ما قطعه‌سازهای خوبی در کشور داریم. یک وقتی، البته سالها پیش، زمانی که آقای بیطرف (۱۲) -رفیق ایشان- وزیر نیرو بود، یک پره‌ای برای یک چیزی لازم داشت؛ من به ایشان گفتم: آقا! شما خودت فارغ‌التحصیل این دانشگاه امیرکبیر هستی، از اینجا تا دانشگاه امیرکبیر یک قدم راه است، بروید آنجا بنشینید با اینها صحبت بکنید تا برایتان تولید کنند؛ که همان‌وقت اتفاقاً ارتشی‌ها در نیروی هوایی همان [قطعه] را تولید کرده بودند برای یک منظور دیگری، البته با یک ابعاد بزرگ‌تری.



[پس] صنعتگران بخش خصوصی میتوانند به دولت کمک کنند در بخشهای مختلف. گاهی اوقات میشود که ما یکی دو قطعه نداریم و زنجیره‌ی تولید یک محصول بکلی میخوابد به خاطر نبود این قطعه و اینکه در خارج آن را به ما نمیدهند یا مشکلات به وجود می‌آورند. خب این را در داخل تولید کنیم؛ ما میتوانیم در داخل تولید [کنیم]؛ هر کاری را که در داخل، دنبالش رفتیم و تأکید کردیم و یک خرده خرج کردیم و مانند اینها، توانستیم به وجود بیاوریم؛ یک نمونه‌اش وزارت دفاع است که کارهای خوبی در این زمینه در آنجا انجام گرفت.

یک مسئله‌ی مهم دیگر در زمینه‌ی اقتصاد که موضوع چهارمی است که دارم عرض میکنم، مسئله‌ی مدیریت نقدینگی کشور [است] که حالا آقای رئیس جمهور اشاره کردند به نقدینگی. اولاً اینکه ما اجازه دادیم که نقدینگی افزایش پیدا کند، از اول خطا بوده؛ نباید می‌گذاشتیم؛ از اول باید ما جلوی افزایش نقدینگی را می‌گرفتیم؛ حالا هم اینکه نقدینگی رها بماند که به هر طرفی حمله کند ویرانی به وجود بیاورد، این هم باز یک خطای دیگر است؛ نقدینگی باید مدیریت بشود. اینکه ما این جور فرض کنیم که «نه، کاری‌اش نمیشود کرد نقدینگی را»، نه، این جور نیست؛ نقدینگی را میشود کنترل کرد، میشود مدیریت کرد؛ البته احتیاج دارد به یک مجموعه‌ی تمام‌وقت فعال؛ یک مجموعه‌ی تمام‌وقت. چندی پیش نمایندگان مجلس از رئیس جمهور محترم درخواست کرده بودند که یک تیم اقتصادی فعال [تعیین بشود]؛ خیلی خوب، یک تیمی زیر نظر همین مجموعه‌ای که الان دارید هم می‌خواهید بگذارید - بحث تغییر و تبدیل و مانند اینها را بنده هیچ وقت مطرح نمیکنم و نکرده‌ام - بالاخره یک مجموعه‌ی فعال شبانه‌روزی از عناصری که اهل کار جهادی باشند، یعنی واقعاً بخواهند کار بکنند، شب و روز نشناسند، اهل ابتکار و مانند اینها هم باشند، دنبال این قضیه بگذارید و بگویید نقدینگی را مدیریت کنند؛ میتوانید این کار را بکنید. ما به قولی چهارصد هزار میلیارد تومان، به قولی ششصد هزار میلیارد تومان، پروژه‌ی نیمه‌تمام داریم؛ خب جاذبه درست کنید برای بخش خصوصی که این نقدینگی به این طرف هدایت بشود؛ میشود این کارها را کرد؛ امتیاز بدهید، جاذبه درست کنید. ما برای فروش نفتمان یک مواردی اتفاق افتاده که برای اینکه بتوانیم کار را پیش ببریم یک مسامحه‌ای در قیمت کرده‌ایم، مثلاً فرض کنید که یک تخفیفی به یکی دادیم؛ خب این کار را در داخل انجام بدهیم؛ بخش خصوصی را وادار کنیم، کارهای مهمی میشود انجام داد. آن روز به نظرم در همین جلسه‌ی دولت بود که گفتم، فرض بفرمایید که همین الان این نیروگاه‌های سی مگاواتی را که گفتند روسیه می‌سازد - بنده خیال میکردم کمتر از صد مگاواتی نداریم؛ معلوم شد نه، پنجاه مگاواتی و سی مگاواتی [هم] داریم - خیلی خب، اینها قیمتش هم نباید خیلی بالا باشد، این درآمدزا است؛ بخش خصوصی را تشویق کنید، تحریص کنید بروند از اینها ده تا، بیست تا، بگیرند بیاورند و جاهای مختلف نصب بکنند؛ هم انرژی است، هم جذب نقدینگی است، هم آب شیرین کن است و فواید فراوانی از این قبیل دارد. منظورم جذب نقدینگی است؛ این نقدینگی زیاد، این نقدینگی که امروز وجود دارد، خطر بزرگی است، این را اقتصاددان‌ها بهتر از ما میدانند که این، هر طرف رو کند ویرانگر است؛ خب می‌آید یک وقت طرف سکه، می‌آید طرف ارز - [مثل] همینی که اتفاق می‌افتد و شما می‌بینید - یک وقت میرود طرف مسکن یک جور دیگر میشود. نباید بگذارید، باید این مدیریت بشود؛ یعنی رها نمیشود گذاشت نقدینگی را. نمیشود گفت که حالا این اضافه شده و هیچ کاری‌اش نمیشود کرد؛ نه خیر، این را میشود کنترل کرد، میشود مهار کرد و این باید مهار بشود.

البته مسئله‌ی بانک‌ها که ایشان گفتند مسئله‌ی درستی است؛ یعنی بانک‌ها، بانک مرکزی را بین دو محذور قرار میدهند؛ این هم علاج دارد. بانکی که نتوانسته خودش را اداره کند و مردم را به صف کرده، اعتبار این بانک را سلب کنید. اولاً نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها موجب میشود که به این وضع نرسند - اگر چنانچه نظارت مستمری از اول



وجود داشته باشد- وقتی هم که به این زمینه رسید بالاخره باید با بانک برخورد بشود. این همه بانک خصوصی! بانک‌ها چرا مشکل نقدینگی پیدا میکنند؟ برای خاطر اینکه شعبه زیاد میکنند، برای اینکه آسایشگاه برای افراد خودشان [درست میکنند]. این را من یک وقتی به جنابعالی هم گفتم که بنده در تهران با ماشین از یک جایی عبور میکردم، یک دیوار طولانی بود که همین‌طور که با ماشین رفتیم، دائم دیدیم این دیوار هست، هست، هست؛ من پرسیدیم این مال کیست؟ چیست اینجا به این بزرگی؟ یک تشکیلات عظیمی [بود]! گفتند بله، برای بانک فلان است. خب این بانک غلط میکند که یک چنین کاری را [کرده]، میخواهد چه بکند این را؛ یعنی واقعاً این چیز مهمی است، پولهای مردم را میگیرند و این‌جوری امکانات درست میکنند؛ حالا اینکه یک تشکیلاتی است که لابد برای تفریح و مانند این حرفها است؛ نه، بانکها بنگاهداری میکنند. بنده همین‌جا در همین جلسه یک بار گفتم که جلوی بنگاهداری بانک‌ها را بگیرد؛ (۱۳) بانک برای بنگاهداری که نیست. خب پولهای مردم این‌جوری [صرف میشود]؛ کنترل قوی و مدیریت قوی بانک مرکزی بر بانک‌ها موجب میشود که به اینجا نرسند که بانک مرکزی بین دو محذور گیر کند؛ یا بدهد، یک‌جور مشکل برایش درست بشود؛ یا پول و نقدینگی را افزایش ندهد، یک‌جور دیگر محذور درست بشود. یعنی این بالاخره جزو مسائل مهم است. به نظر من به وضع بانک‌ها برسد و نقدینگی را به‌طور جدی اهمیّت بدهید و دنبال نکنید.

خب، پس بنابراین در این زمینه حالا ما عریضی عرض کردیم و دیگر بیشتر از این در این زمینه صحبت نکنیم و برویم موضوع دوّم - البته موضوع دوّم به این طولانی‌ای نیست، مختصرتر است - که موضوع سیاست خارجی است و آقای ظریف - دوست عزیز ما - هم که اینجا تشریف دارند.

اولاً تأکید میکنم ارتباط روزافزون با همسایگان را. ما خب چهارده پانزده همسایه داریم، خیلی‌هایشان و اکثرشان کسانی هستند که ما میتوانیم با اینها ارتباطات خوب داشته باشیم. از فرصتها استفاده کنیم. من پیغام دادم به شما (۱۴) راجع به پاکستان که خب شما گفتید که مشغول مقدمات هستید که این کار را انجام بدهید. عراق هست، ترکیه هست، پاکستان هست، کشورهای آسیای غربی هست، جاهای دیگر هستند، بالاخره ما با این مجموعه‌ی بزرگ در مسائل گوناگون میتوانیم کار کنیم. این دیپلماسی قوی با همسایگان برای مسائل اقتصادی ما هم خوب است. به من این‌جور گزارش دادند که اگر چنانچه ما بتوانیم [به اندازه‌ی] ده درصد از فعالیت اقتصادی این کشورها، با آنها کار بکنیم، برای ما یک رقم خیلی بالایی [است]؛ ده درصد چیز زیادی هم نیست. یک مسئله این است.

یکی [هم] مسئله‌ی اروپا است. بنده قبلاً هم گفته‌ام، الان هم میگویم که ارتباط با اروپا باید ادامه کند. البته اروپا یک شکل نیست، جاهای مختلفش مختلفند، در یک چیزهایی مشترکند، در یک چیزهایی نه، جور دیگرند، روشهای مختلفی دارند. به‌هرحال با مجموعه‌ی اروپا - کشورهای اروپایی، نه جامعه‌ی اروپا - با کشورهای اروپایی بایستی ادامه‌ی ارتباط باشد اما قطع امید کنید از اینها؛ از اروپا قطع امید نکنید. اروپا جایی نیست که ما بتوانیم برای مسائل گوناگون خودمان از جمله همین مسئله‌ی برجام و مسائل اقتصادی و مانند اینها به آنها امید ببندیم؛ نه، اینها کاری نخواهند کرد؛ قطع امید [نکنید]. این قطع امید به معنای قطع رابطه نیست، به معنای قطع مذاکره نیست؛ به معنای این است که ما تصمیم خودمان را جور دیگری بگیریم، این است معنایش و نگاه شک‌آلود داشته باشید به وعده‌های آنها؛ به هرچه وعده میدهند، با تردید نگاه کنید. الان هم که دارند بازی درمی‌آورند. به نظر من در این قضایای مربوط به برجام و تحریمها دارند شوخی میکنند؛ در واقع اینها یک رفتار مناسبی الان با ما ندارند.



و این را هم من عرض بکنم: برجام هدف نیست، برجام وسیله است. برجام هدفی نیست که ما لازم باشد این را حتماً حفظ کنیم؛ وسیله‌ای برای حفظ منافع ملی ما است. اگر چنانچه یک روزی به این نتیجه رسیدید که برجام نمیتواند منافع ملی را تأمین بکند، برجام را بگذارید کنار، یعنی هیچ اهمیتی ندارد؛ ببینید منافع ملی چه اقتضاء میکند. از من هم گاهی سؤال میشود که شما گفتی که برجام را آتش میزنی، چرا آتش نزدی؟ علتی که آتش نزدیک همین بود که گفتیم شاید بشود منافع ملی را با آن تأمین کرد؛ والا اگر آدم بفهمد که منافع ملی تأمین نمیشود، ما هم آتش زدن را بلدیم که این کار را بکنیم. بالاخره بازی نکنند با ما؛ این را باید جدی دنبال بکنید.

البته شنیدم که شما یک نامه‌ی خوبی هم اخیراً نوشته‌اید به این مسئولین [اروپایی]؛ خوب است. این جور نامه‌ها را نوشتن خوب است، البته باید بفهمند که پشت سر این نامه یک تدبیری وجود دارد، یک تصمیمی وجود دارد؛ این را باید حس کنند؛ هم در بیانات جنابعالی و آقای رئیس‌جمهور و بعضی دیگر، و هم در برخی از اقداماتی که آقای صالحی (۱۵) باید بکند که من میدانم چقدر ایشان این اقدامات را کرده‌اند یا دارند میکنند. این هم یک مسئله.

مسئله‌ی دیگر در قضیه‌ی سیاست خارجی، آمریکا است. اینکه حالا باز بعضی زمزمه شروع کرده‌اند که «در حاشیه‌ی اجلاس مجمع عمومی، ممکن است مذاکره انجام بگیرد»، این به طور قطع منتفی است؛ یعنی معنی ندارد یک چنین چیزی. آنها که آن ظاهرسازها بودند، آن جوری عمل کردند با ما؛ اینها که آدمهای وقیح متهتک (۱۶) پرروی صریح شمشیر از رو بزدند؛ با اینها چه مذاکره‌ای؟ اصلاً معنی ندارد. حالا آقای رئیس‌جمهور که هیچ، وزیر خارجه و عناصر وزارت خارجه هم همین جور؛ هیچ معنی ندارد با اینها مذاکره کردن. البته شما این را هم میدانید و شاید بهتر از من بدانید که آمریکایی‌ها احتیاج دارند به مذاکره‌ی با جمهوری اسلامی. دولت‌های آمریکا -هم آن دولت قبلی، هم این دولت، هم دولت اسبق- همه احتیاج دارند نمایش بدهند که ما جایی مثل جمهوری اسلامی را کشاندیم پای میز مذاکره؛ این چیزی است که نیاز دارند. آن روزی که اوپاما موفق شد تلفنی با آقای دکتر روحانی صحبت بکند، اینها آنجا جشن گرفتند که خبرش بعداً رسید به ما از طریق. اینها احتیاج دارند به این قضیه؛ هیچ لزومی ندارد که ما این احتیاج آنها را برآورده کنیم. حالا [اینکه] چرا ما با مذاکره مخالفیم هم، من دلیلش را قبلاً گفته‌ام، دیگر تکرار نمیکنم.

مسئله‌ی سوم مسئله‌ی انسجام و اتحاد است. انسجام و اتحاد بین مسئولین اداره‌ی کشور و مدیریت کشور همیشه لازم است، امروز از همیشه لازم‌تر است؛ من تأیید میکنم حرف آقای روحانی را. رؤسای سه‌قوه، مسئولین گوناگون، بخشهای مختلف، بایستی پشتیبان هم باشند. معنای این [حرف]، این نیست که در همه‌ی مسائل هم نظر باشند؛ نه، ممکن است نظرات مخالفی هم داشته باشند، اما اولاً بایستی در عمل به یکدیگر کمک کنند -بخصوص حالا چون دولت وسط میدان است و همان‌طور که قبلاً گفتیم کارهای عمده مربوط به او است، بخصوص به قوه‌ی مجریه همه باید کمک کنند- و هم اختلاف‌نظرها را رسانه‌ای نکنند؛ این هم مهم است. بالاخره شما درباره‌ی فلان مسئله با یک رئیس دیگر اختلاف نظر دارید؛ چه لزومی دارد که این اختلاف نظر در رسانه‌ها گفته بشود؟ معنای این چیست؟ چه فایده‌ای بر این مترتب است؟ اینکه حالا چهار عنصر سیاسی ورشکسته، یک گوشه‌ای خوششان بیاید که ما مثلاً حالا این جوری موضع گرفتیم، دلیل نمیشود. اختلاف بین مسئولان افکار مردم را معشوش میکند، آشفته میکند، آنها را نگران میکند، مضطرب میکند. من گاهی حتی میبینم آقایان وزرا هم برخلاف همدیگر حرف میزنند! شما که در هیئت وزیران دور یک میز نشسته‌اید، آقای رئیس‌جمهور هم در رأس آنجا نشسته؛ هرچه میخواهید دعوا کنید، همان‌جا دعوا کنید، همان‌جا با هم اختلاف نظر [را طرح کنید]؛ دیگر چرا می‌آورید در تریبون؟ یک وزیری یک حرفی



میزند، یک وزیر دیگری می‌آید آن حرف را رد میکند؛ این خیلی چیز عجیبی است؛ این مجادلات رسانه‌ای واقعاً یک چیز خیلی بدی است.

اما جلسه‌ی دیروز مجلس، به نظر من نمایش اقتدار جمهوری اسلامی بود. خدا خیر بدهد به آقای رئیس‌جمهور و به قوه‌ی مقتنه که مشترکاً نمایش اقتدار و ثبات جمهوری اسلامی را دیروز دادند؛ این خیلی نکته‌ی مهمی است. نمایندگان مجلس سؤال میکنند از رئیس‌جمهوری که با بیش از ۲۳ میلیون رأی انتخاب شده و رئیس‌جمهور بدون ایا و امتناع می‌رود و با خونسردی سؤالها را می‌شنود، بعد با متانت اینها را جواب میدهد؛ اینها خیلی علامتهای خوبی است. اینکه ما میگوییم مردم سالاری دینی در کشور، یعنی این؛ یعنی اینکه وظایفشان را عمل میکنند، آشفته نمیشوند، سؤال - جواب میکنند، حرف میزنند، به هم نمیپزند؛ اینها خیلی مهم است؛ این اتفاق دیروز افتاد. اگر چنانچه فرض کنید دیروز یک نفر از نمایندگان، لحن نامناسبی به کار میبرد، یا آقای رئیس‌جمهور در برخورد با مجلس یک لحن نامناسب [داشت]، این چقدر بد بود، این چقدر به ضرر جمهوری اسلامی بود! خیر، آنها محترمانه سؤال کردند، آقای رئیس‌جمهور هم با متانت، با خونسردی جواب داد. حالا البته بین خواسته‌های آنها و توقعات و انتظارات آنها و واقعیتهایی که وجود دارد، یک فاصله‌ای وجود دارد، یک شکافی وجود دارد و در این تردیدی نیست که این شکاف باید پُر بشود، [اما] این اشکالی ندارد، مهم این است که آنچه اتفاق افتاد، به نظر من یک نمایش باشکوهی بود از قدرت جمهوری اسلامی، از ثبات جمهوری اسلامی، از اعتماد به نفس مسئولین در جمهوری اسلامی؛ مجلس یک جور اعتماد به نفس نشان داد، رئیس‌جمهور و دولت یک جور اعتماد به نفس نشان داد؛ این به نظر من بسیار چیز خوبی بود.

البته دشمن غیر از این را میخواهد؛ دشمن سعی میکند قضیه را جور دیگری وانمود کند اما حقیقت قضیه این چیزی است که من گفتم و این را دیگران می‌بینند و میفهمند؛ و داخل کشور هم همین جور، مردم می‌بینند نه، هیچ چیزی به هم نخورد، مشکلی به وجود نیامد و رفتند با متانت و با احترام متقابل سؤال کردند، جواب دادند و برگشتند آمدند. این به نظر من جلسه‌ی بسیار خوبی بود و قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقتنه مشترکاً یک کار بزرگی را انجام دادند؛ این، هم رئیس‌جمهور را تقویت میکند، هم مجلس را تقویت میکند، هم ان شاء الله زمینه‌ای برای همکاری‌های بیشتر و نزدیک شدن نظرات و واقعیتها به یکدیگر خواهد بود.

البته خب باید این توصیه‌هایی که امروز ما کردیم و مطالبی که گفته شده، مورد توجه قرار بگیرد و پیشرفت کنیم، [از جمله] همین چیزی که مکرر هم گفته شده و گفته میشود که یک جمع فعال کمر بسته‌ی بانشاطی مسئول بشوند که این معضلات مهم را یکی پس از دیگری حل کنند و ان شاء الله پیش بروند.

در آن مورد جلسات سه قوه هم البته این مطلبی که آقای دکتر روحانی اشاره کردند درست است و بایستی یک هماهنگی خوبی [بشود]؛ من هم سفارش کردم، باز هم سفارش خواهم کردم، منتها توجه بکنید که جوری حرکت نشود که وظایف ذاتی قوای دیگر مورد غفلت قرار بگیرد؛ قبلاً هم من با جنابعالی صحبت کردم؛ جوری باشد که هماهنگی کنید. بله، خب جنگ، فرمانده میخواهد - ما هم که یک مقدار مختصری در جنگ بودیم میدانیم - منتها فرمانده شور ستادی میکند، یعنی هیچ وقت هیچ فرماندهی نیست که بدون شور ستادی همین طور بگوید «آقا برویم» و دنبالش راه بیفتند؛ نه، بالاخره ستاد دارند، می‌نشینند بحث میکنند، شور ستادی میکنند و کار میکنند، و گاهی اوقات میشود که نظر فرمانده با این مشورتی که با افراد ستاد میکند، بکلی عوض میشود یعنی جور دیگری



میشود. یعنی چیزهایی هست که جزو سُنن طبیعی و معمولی رفتارهای جمعی است؛ اینها باید رعایت بشود؛ یکی اش همین است که مشورت کنیم، فکر کنیم، حقوق افراد گوناگون را در نظر بگیریم و البته «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (۱۷) هم دنبالش هست که باید آن را هم انجام بدهیم.

خب، ان شاء الله که آقایان همه‌تان موفق باشید، مؤید باشید و خداوند از شماها راضی باشد و کمکتان کند که بتوانید وظایف مهمی را که بر عهده دارید، انجام بدهید. صحبت ما هم مثل اینکه طول کشید؛ (۱۸) مرحمت عالی زیاد، خداوند ان شاء الله شما را محفوظ بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، حجت اسلام والمسلمین حسن روحانی (رئیس‌جمهور) گزارشی ارائه کرد.
- ۲) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۶۴؛ «بییقین، خدا بر مؤمنان ممت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت ...»
- ۳) من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳ (با اندکی تفاوت) (زیارت جامعه‌ی کبیره)
- ۴) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۳
- ۵) سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۵۶
- ۶) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۵۵
- ۷) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۵۵
- ۸) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۸؛ «آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند ننگریستی؟ ...»
- ۹) معدنی
- ۱۰) گاز مایع طبیعی
- ۱۱) خنده‌ی معظم‌له
- ۱۲) حبیب‌الله بیطرف
- ۱۳) بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۶/۶/۴)
- ۱۴) وزیر امور خارجه
- ۱۵) علی‌اکبر صالحی (رئیس سازمان انرژی اتمی)
- ۱۶) بی‌پروا، پرده‌در
- ۱۷) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۹؛ «... و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن ...»
- ۱۸) رئیس‌جمهور: «طیب الله انفسکم، خیلی استفاده کردیم.»